

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

با ابراز خیر مقدم و امتنان خدمت آقای عبدل به خاطر مطلب ارسالی شان، باید بیفزائیم:
پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" یگانه نشریه الکترونیک است که از زبان برخی از متصدیان خود مواضع روشن در قبال خط تحمیلی و ننگین دیورند گرفته، ضمن آن که امضاء کنندگان و مؤیدین بعدی آنرا به مثابه خاین مشخص نموده، در باب حل مسأله نیز اراده خلقهای دوطرف خط به ویژه آنطرف خط را محترم شمرده، با اصل تابعیت از همان اراده، پشتیبانی قاطع خویش را از مبارزات آزادیخواهان مردم آن طرف خط اعلام داشته اند.
با عرض حرمت
اداره پورتال AA-AA

رایان عبدل
۱۱/۰۱/۰۲

خط دیورند لعنتی نیست

درین اواخر دسته گل دیگری تحت عنوان (خط لعنتی دیورند) در وسایط ارتباط جمعی به آب داده شده که نظریات و پیشنهادهای مختلف موافق و مخالف را در بر داشت.
عده ای بر به رسمیت شناختن آن و تعدادی هم بر افروخته و عصبانی شده و چشم پوشی از سرزمین های آن طرف خط دیورند را خیانت ملی گفتند. یعنی یک بار دیگر احساسات اقشار مختلفی از مردم را متلاطم ساختند که خدا کند عمدی نباشد تا آب را گل آلود و به نفع خود ماهی بگیرند مسیر اذهان مردم را از نا کامیها، نا بسا منیها، رشوه خوارها، رشوه ستانهای بلند مقام و پائین شخصیت، انتخابات تقلبی، نا امنیها و صدها قصور دیگر منحرف بسازند.
من با عده زیادی از نوشته ها و نظریات محققان و پژو هسگران محترم آشنا شدم که در وسایط ارتباط جمعی به نشر رسیده است.
تعدادی از صاحب نظران پیشنهاد مینمایند که خط دیورند بیشتر از یک قرن (۱۱۸ سال) باعث درد سر مردم افغانستان شده و هر از چند گاهی زمزمه آن بلند می شود و احساس هم وطنان را جریحه دار میسازد. پس باید آن را به رسمیت شناخت و معضله را برای همیش حل نمود، ولو که مورد نفرین نسلهای آینده قرار بگیریم، ولی

عده دیگری چنین عملی را خیانت نا بخودنی می‌شمارند. بعضی ها هم از روی احساسات افراطی، سر زمین های آنطرف دیو رند را سر زمین و خاک آبائی خویش ذکر میکنند بدون اینکه طرفهای دخیل در مسأله را در نظر داشته باشند (گویا از کیسه خلیفه می‌بخشند)

ای دوستان !

فراموش نکنید که درین معضله قبائل دو طرف دیو رند ، دولت اتمی پاکستان و انظار بین المللی هم دخیل اند. این است که برای بعضی از دانشمندان و حقوق دانان پرسش هائی را ایجاد مینماید:

۱- با یک مرور سطحی میشود دانست، از زمان پادشاهی امیر عبدالرحمن که در سال ۱۸۹۳ میلادی معاهده دیورند به امضاء رسید تا فعلا که دوره حکمرانی "آقای کرزی" است ، مدت ۱۱۸ سال از آن زمان میگذرد و در افغانستان چهار رده مرتبه رژیم ها، دولت ها و حکومت ها دستخوش تغییر گردیده و درین مدت از طرف هیچ پادشاهی ، هیچ رئیس جمهوری و هیچ امیری ، هیچ نوع سندیکه از نگاه حقوقی قابل پذیرش باشد ، برای مراجع قانونی که صلاحیت حل چنین مسائلی را داشته باشد ارایه نگردیده و البته مواقع مناسبی هم که برای حل چنین مسائلی به میان آمده بوداز دست رفته و نقش بر آب شده که میتوان از زمان تجزیه هند بریتانوی و ایجاد کشوری به نام پاکستان و بعدا انفکاک بنگال از پیکر نو ظهور پاکستان نام برد. ولی با تأسف همه حکمرانان ، سیاستمداران افغانستان صدای عادلانه، عالمانه و عادلانه ای که مطابق نورمهای شناخته شده در مورد حل منازعات ارضی بین ممالک باشد بلند نکرده اند و

با شعارهای احساساتی حنجره پاره کرده اند و ما میتوانیم از اقدام دوره صدارت داوود خان در زمان پادشاهی ظاهر خان که امر سفر بری اردو و احتیاط را صادر نمود و با پاکستان اعلان جنگ داد نام ببریم، خدا را شکر که جنگی درنگرفت ، ورنه روزگار افغانستان از امروز هم بدتر میبود.

همچنین حزب به اصطلاح دموکراتیک خلق نیز به پشتیبانی اتحاد شوروی وقت میخواستند سر زمینهای آنطرف دیورند، تا بحر هند را به زور اشغال نمایند (گویا پس بگیرند) در حالیکه ما قادر نیستیم زمینهای غصب شده ناحیه وزیر اکبر خان کابل را از غاصبین پس بگیریم. غافل از اینکه چنین عملی نا بخردانه خطر های هم در قبال دارد. همین بود که عکس العمل شدید نه تنها پاکستان ، بلکه امریکا و دیگر کشور های غربی ، بنیاد گرایان دینی و مذهبی و ممالک عربی را در بر داشت که مردم افغانستان نتیجه آنرا مدت سی سال است با گوشت و پوست احساس میکنند و کفاره گناهان حزب خلق و پرچم و متجاوزین روس را با جان و مال ، خاک، سر زمین ننگ و ناموس و ویرانی وطن میپردازند.

۲- در بساز بیانات، مقالات و گفتارهای پر حرارت رادیونی، تلویزیونی و وبسایت ها و مطبوعات متأسفانه متأسفانه خود مردم آنطرف خط دیورند (قبائل) از یاد رفته اند و به باد فراموشی سپرده شده اند و ما همیشه آنها را برادر، هم نژاد و حتی هم وطن خطاب نموده ایم و در نبود آنها فیصله صادر مینمائیم که عادلانه نیست . خوب نیک و مبارک، چون همه مسلمانها به هم برادرند. ولی نباید فراموش کرد که تعیین سر نوشت یک ملت هشت ملیونی وظیفه خود مردم آن ملت است نه کسی دیگری. با تأسف کسی از آنها نمیپرسد که آیا آنها حاضرند ما را به برادری بپذیرند؟ و با ما تحت یک نظام قانونمند که حقوق همه در آن شامل باشد (نه قرون وسطائی)، زیر یک آسمان با صلح و سلم زندگی نمایند؟ یا خود آنها میخواهند تصمیم حل سر نوشت خویش را به دلخواه خود رقم بزنند؟ آیا میخواهند همچنین تحت تسلط پاکستان ادامه دهند؟ یا به برادران خود در افغانستان ببیوندند؟ و یا آرزو دارند دولتی تشکیل بدهند که قبائل هر دو طرف خطر را نیز در بر داشته باشد؟ که هر سه نظر مشکلات عدیده ای را ایجاد

خواهد کرد و مسأله حل نه ، بلکه غامض تر خواهد شد.

از طرف دیگر پژوهشگران، محققان و اهل خبره میدانند که قبا ئل آنطرف خط دیورند گویا که تبعه پاکستان میباشند و اما در حقیقت این مردم فاقد نظام منظم دولتی بوده و خود را قبا ئل آزاد (آزاد پشتو نستان) میگویند و تابع هیچ نوع مقررات مدنی نمی باشند و فقط تحت قوانین قبائلی قرون وسطی حیات به سر میبرند. مکاتب ذکور و اناث تحت نظر و مراقبت دولت وجود ندارد، بلکه مدارس دینی دارند که ملا های آدم کش و بی مروت و مولوی های تروریست پرور، خون خوار و بی احساس مشغول مغز شوئی اطفال یتیم وبی سر پرست میباشند و موجودات معصوم را نوید قباله جنت داده آنها و چند بی گناه دیگر را به دیار عدم میفرستند که جای تأسف عمیق است. بد بختی درین است که عدل و عدالت رخت بر بسته است و ازین جنایت کاران ریش دراز کسی نمی پرسد که ای آخند، ای ملا، ای مولوی، ای حجت الاسلام و ای آیت الله !

شما که به اطفال معصوم بهشت هدیه میدهید پس اگر وجدان دارید پاسخ دهید که چرا خود تان به این جنت موعود زود تر نمی روید؟ تا جهان از لوٹ وجود تان پاک شود و انسانها، آفریننده خویش را بدلخواه خود پرستش نمایند. شما و امثال شما همیشه آیات و احادیثی را قرائت مینمائید که اگر کسی انسانی را بی گناه به قتل برساند مثل اینست که تمام بشریت را به قتل رسانده باشد پس چرا چنین عملی را انجام میدهید؟ و چرا واسکتهای انتحاری ساخت پاکستان نا پاک را به اطفال وکلانسالهای مغز معیوب میپوشانید وکلید جنت را هم در جیب شان میگذارید و انسانها را نا بود میکنید؟

دوستان عزیز!

شاهد این ادعا اعتراف چند ماه قبل وزیر خا رجه پاکستان است که گفت:

در مناطقی قبا ئلی چهل هزار مدرسه دینی موجود است که تحت پوشش دولت پاکستان نمی باشند و قرار گفته وزیر خارجه ی اسبق افغانستان اگر هر مدرسه تنها دو تروریست تربیه نماید ، میشود هشتاد هزار انتحاری که لشکر جهنمی عظیمی خواهد بود.

به همین منوال در درون جامعه عقب نهکداشته شده ذریعه دین و مذهب یک عده روحانی جنا یتکار مفت خوار ، دها رسم و رواج عنعنه ئی را که در جوامع دیگر به تاریخ سپرده شده، از جمله داشتن ریش، تابعیت از شریعت اسلامی طبق ۱۴۰۰ سال قبل، حجاب اسلامی، بدل دادن زنان، انتقام خون به خون، تعویذ، جادو و جنبل، بریدن گوش و بینی، بریدن دست، سنگسار، زنده به گور کردن زنان، دره زدن آنها در محضر عام، حبس وزندان در محاکم بدوی و صحرائی و دها مزخرفات دیگر بیداد میکند و از همه مهمتر پایتخت القاعده وامیر بی احساس تروریستان جهان نیز در آن جا موقعیت دارد که بزرگترین معضله در آن سر زمین است و قابل تعمق .

سوال اینجا ست به فرض محال همین فردا قبائل آنطرف دیورند بگویند که با افغانستان ملحق میشوند و پاکستان هم موافق شود. آیا برای تغییر مسیر و هدایت چنین اجتماعی چند سال وقت ، چه قدر سرمایه، به چه تعداد قربانی ضرورت است؟ اگر جواب مثبت است پس چطور؟ به کدام سر مایه؟ به کدام اساسات زیر بنا ئی؟ به کدام تدبیر و به کدام حق؟

به امید راه نمود های علماء و دانشمندان. تا همه ما آگاه شویم راهی را که می پیمائیم رو به سر منزل مقصود است یا رو به ترکستان؟

هر گاه نظر نویسنده این سطور را تقاضا داشته باشید که حتما دارید: میتوانم بگویم که مشکل خط دیورند نه از طریق جنگ و لشکر کشی و نه با شعار ها و ابراز احساسات بی اساس، بلکه به پایه پرنسیپ های شناخته شده، با

ارایه اسناد موثق، سهم گیری خود مردم آنطرف دیورند و ممالک ذیدخل و به اساس قوانین حل منازعات ارضی بین
ممالک همجوار ذیدخل درین مسأله تحت نظارت و مساعی ملل متحد قابل حل خواهد بود، تا از همه طرف های در
گیر این مشکل تعهدی کتبی به تأیید جامعه ملل داشته با شیم تا بعد از حل هیچ قدرتی از آن سر پیچی کرده نتواند.
اینست طریق حل و فصل واقعی و عادلانه خط دیورند که بعضی ها آنرا خط لعنتی دیورند مینا مند. باید خدمت
خوانندگان عزیز عرض شود که خط هیچگاه لعنتی بوده نمیتواند، بلکه لعنتی آدمهائی اند که آنرا امضاء و بعد از آن
مدت ۱۱۸ سال به تأیید آن صحنه گذاشتند و صدای خود را بلند نکردند و این میراث شوم را به ما نا حل باقی
گذاشتند. با عرض حرمت.